

مصاحبه ی اختصاصی "وبلاگ کارگر" با نمایندگان ITF

یکشنبه 15 مهر ماه، آقای حنفی رستدی و سوکورسارتو، نمایندگان ITF و رئیس کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اندونزی بنا به دعوت سندیکا شرکت واحد به ایران آمدند. آنها قبل از سفر خود به ایران برای گرفتن ویزا به سفارت ایران مراجعه کرده بودند و برای دیدار از سندیکا و رسیدگی به وضعیت کارگران، قانون کار، مقاله نامه ها و... درخواست ویزا کرده بودند. اما متأسفانه به آنها ویزا داده نشد. بنابراین تصمیم گرفتند که به تهران بیایند و مستقیماً درخواست ویزا کنند.

به همین دلیل یکشنبه 15 مهر ماه از جاکارتا به دبی و از دبی به تهران پرواز کردند و در فرودگاه با پرداخت نفری 50 دلار به مدت 7 روز ویزای ترانزیت دریافت نمودند. به آنها اخطار داده شده بود که شما به عنوان توریست آمده اید و حق هیچ فعالیت دیگری را ندارید. نمایندگان سندیکا آقای حنفی و سارتو را در سفارت اندونزی ملاقات نمودند و آنها را برای اقامت به هتل لاله انتقال دادند.

مصاحبه ی زیر را با آقای حنفی، نماینده ی ITF ترتیب دادیم و مشکلات را از زبان ایشان شنیدیم :

_ آقای حنفی شما برای ورود به ایران با چه موانعی روبرو بودید؟

من ابتدا تلاش کردم که از طریق متداول وارد ایران شوم. اما سفارت ایران در جاکارتا مشکلاتی را بر سر این راه بوجود آورد. پس از آن با ورود به تهران ویزای خودم را به عنوان یک شهروند عادی اندونزیایی دریافت نمودم. در بدو ورود دعوت نامه ی سندیکا را به مسئول فرودگاه دادم. در این صورت او متوجه شد که من یک توریست متعارف نیستم. از آنجائی که من ویزا دارم می توانم تمام ملاقات های خود را با اعضای سندیکا و برای آزادی منصور اسالو و ابراهیم مددی انجام دهم.

_ آیا شما توانستید با خانواده ی زندانیان (منصور اسالو و ابراهیم مددی) ملاقات داشته باشید و آیا موانعی بر سر راه این ملاقات بود یا خیر؟

من توانستم با خانواده ی 2 زندانی و نمایندگان سندیکا به راحتی ملاقات داشته باشم و در این راه مشکلی بوجود نیامد. از دیدار هائی که داشتم متوجه شدم که همه به دنبال یک اتحادیه ی اصیل و مستقل هستند و هیچ نشانه ای از ضد حکومتی بودن در صحبت ها ندیدم. در این صورت مبارزه ی آنها کاملاً در جهت منافع تمام کارگران ایران و اجرای مقاله نامه ی 87 سازمان جهانی کار می باشد که می خواهند سندیکا را تاسیس کنند و هیچگونه ترس و نگرانی در این کار نباید وجود داشته باشد. بازداشت هر فعال کارگری و عضو اتحادیه و سندیکا عملی غیر قانونی است.

_ وضعیت کارگران در ایران را چگونه ارزیابی می کنید و در گزارشتان برای آقای دیدوید کاکراف (دبیر کل ITF) به چه نکاتی اشاره خواهید کرد؟

بنا به اطلاع من در حال حاضر تنها یک سندیکا ی مستقل توانسته تشکیل بشود و خیلی شجاعانه این عمل را به پیش بردند تا بتوانند خودشان را به عضویت ITF در بیاورند. هرگونه ارتباط و همراهی با حرکت های جهانی کارگری به نفع تمامی کارگران ایران از جمله سندیکاست که منجر به ایجاد فضای بازتری در ایران می گردد. دولت بایستی در این زمینه ها بسیار شفاف باشد تا فعالین

داخلی و نمایندگان خارجی آنها به راحتی بتواند به تمامی اطلاعات دسترسی پیدا کنند. نیازی به بازی موش و گربه نیست تا ما هم بتوانیم بدون قایم باشک بازی به ایران بیایم. این باید حرکت نسل جوان و جدید ایران برای ساختن آینده ای روشن باشد. چون قدیمی ها دیگر پیر شده اند و جوانان باید پا در عرصه بگذارند.

در گزارش خودم اشاره خواهم کرد که در ایران علاقمندی جدی از طرف کارگران ایران برای تشکیل سندیکا دیدم و کارگران به خوبی از مفاد و متن مقاله نامه های بین المللی که راجع به ILO هستند آگاهند. بنابراین این پیغام ماست به سندیکالیست ها و فعالین کارگری و اتحادیه ها که آزادی بیشتری را بخواهند. چرا که آنان خطرناک نیستند. حکومت ایران باید طرز تفکر خودش را راجع به فعالیت های کارگری و اتحادیه ها تغییر بدهد و دادن آزادی بیشتر به فعالیت های کارگری نتیجه اش نشاط اجتماعی و بالندگی اقتصادی برای کشور است.

__ در ارتباط با قانون کار ایران چقدر اطلاعات دارید و به نظر شما نقاط ضعف و جانبدارانه ی آن از کارفرما چیست؟

بنا به اطلاعاتی که من دارم درباره ی آزادی تشکل ها بخش دولتی وزنه ی سنگین تری دارد. به این معنی که در قانون آزادی ایجاد تشکل هست اما همه باید توسط دولت باشد و توسط دولت کنترل می شود و نمایندگان دولتی اند و میل و رغبت دولتمردان برای ایجاد تغییرات مناسب در قانون کار زیاد نیست و نشأت گرفته از سرچشمه های سیاسی افکار آنهاست که چنین چیزی در کشور بزرگی مثل ایران نباید اتفاق بیفتد. کشوری که بسیار ثروتمند است. کشوری که دارای مردمی باهوش و با اطلاعاتی زیاد است. دستمزدها در ایران بسیار پایین است و این خیلی بد است.

__ آیا شما اقدامی در جهت رفع موانعی که نام بردید انجام خواهید داد؟

بله مطمئناً. برای این که ما دو کشور برادر هستیم و ارتباط 2 کشور ایران و اندونزی روز به روز بیشتر می شود و ما باید بیشتر از هم حمایت کنیم. کشورها باید اتحاد بیشتری با هم داشته باشند و وجداناً دروغ و دغلی بین ما نباشد.

__ آیا شما از وضعیت آقای محمود صالحی با خبر هستید؟ چه اقداماتی برای ایشان و وضعیت جسمی شان انجام داده اید؟

من چون مربوط به حمل و نقل هستم اطلاعاتم بیشتر مربوط به اسالو و مددی است ولی می دانم خیلی از افراد بی گناه در ایران دستگیر و زندانی شدند.

__ آیا باز هم شاهد مراسمی مانند 9 اوت (19 مرداد) خواهیم بود؟

در اندونزی برای بار دوم این اتفاق افتاد. روز دوشنبه کارگران اندونزی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در جاکارتا برای آزادی اسالو و مددی و اجرای مقاله نامه های ILO که ایران متعهد به اجرای آن است تجمعی برپا کردند. ما به عنوان کارگران

ایران و اندونزی می خواهیم به کشورهای غربی نشان دهیم که در پایبندی به مقاله نامه 87 ILO بسیار جدی هستیم. بنابراین، این معضل ممکن است برای ما در اندونزی هم پیش بیاید و ما هم نیازمند کمک های شما در ایران هستیم.

__ نظر شما در رابطه با زنان کارگر چیست؟ مبارزات زنان در ایران را چگونه می بینید؟

من وقتی به ظاهر و چهره ی زنان ایرانی با آن حجاب های سخت اسلامی نگاه می کنم متوجه یک نکته می شوم، و آن هم این که زنان ایرانی در سطح عالی هستند و اینان حقشان است به خیلی از آزادی هایی که در بسیاری از کشورها هست دست یابند و به آن سطح کیفی از زندگی که شایسته ی آن هستند برسند. در اندونزی زنان ما پوشش مدرن تر و راحت تری دارند اما سطح و کیفیت و عمق مبارزات زنان در اندونزی مانند ایران نیست. زیرا بیشتر تمرکز آنها بر ظاهر و پوشش است. زنان اندونزی هدفی دارند که 30% پارلمان اندونزی را به خود اختصاص دهند اما اکنون تنها 5% آن را در اختیار دارند. زنان اندونزی دیگر میلی به ازدواج ندارند و موفقیت های زیادی در کار و زندگی کسب کرده اند.

__ وضعیت قراردادهای موقت در اندونزی چگونه است؟

در اندونزی هم بحث قرارداد موقت مثل ایران است. زیرا ما هم با بحث جهانی سازی مواجه ایم. با کارهای موقت و خصوصی سازی مواجه ایم. در کشور اندونزی سرمایه گذاری خارجی آزاد است و سرمایه گذاران خارجی در اندونزی زیادند و آنها طبق قانون می توانند 30% کارگزارانشان را با خودشان بیاورند ولی 70% کارگران باید از اندونزی باشند.

__ برای رفع معضل قراردادهای موقت چه اقداماتی صورت داده اید؟

ما خیلی با این وضعیت مقابله و مبارزه می کنیم. با مسئولان دولتی تماس می گیریم که از کارگران بومی اندونزیایی استفاده کنند و کارگران خارجی باید در حد محدود و به صورت موقت در آنجا کار کنند. در اندونزی تفاوت دستمزد بین کارگران رسمی و قراردادی 30% است و کارگران رسمی از امنیت شغلی برخوردارند. حداقل دستمزد در اندونزی 100 دلار در ماه است که کافی نیست. ما در مناقشه و درگیری هستیم و مبارزه مان برای حداقل ماهی 250 دلار است.

__ وضعیت تامین اجتماعی در اندونزی چگونه است؟ آیا سقف سنی بازنشستگی وجود دارد؟

قوانین و مقررات بیمه در اندونزی دولتی است. همه کارگران تحت پوشش بیمه هستند و تنها 3% از مبلغ بیمه را خود کارگران می پردازند و سقف سنی بازنشستگی 55 سال است.

در پایان از شما می‌خواهم اندکی از تاریخچه‌ی فعالیت‌های کارگری در اندونزی و سیر پیشرفت آن برای ما بگوید.

مردم اندونزی از سال 1945 مستقل بودند و از همان زمان فعالیت‌های کارگری آغاز شدند. جنبش کارگری در همان موقع توسط حزب کمونیست شروع شد. در سال 1966 یک کودتای بسیار بزرگ داشتیم و در آن زمان هر چیزی که مربوط به حزب کمونیست و فعالیت‌های کمونیستی بود کنار زده شد (کشتار کمونیست‌ها در اندونزی). اکنون بیشتر از 50 حزب سیاسی داریم که همه‌ی اینها به اتحادیه‌های کارگری حتی اگر در حد شعار هم باشند می‌پردازند. از سال 1996 دیکتاتور سوهارتو سرکار آمد. جنبش‌های اجتماعی توسط دولت بسیار کنترل می‌شدند و ما باید از قوانین دولتی اطاعت می‌کردیم و حق برگزاری تجمع نداشتیم. اگر بیش از 10 نفر می‌خواستیم دور هم جمع شویم باید به پلیس خبر می‌دادیم. در سال 1996 با تظاهرات و اعتراضات خواستار اصلاحات شدیم. از 1996 تا الان ما 10 بار رئیس‌جمهورمان را عوض کرده‌ایم که یکی از آنها زن بود. ما در سال 1999 به مقاله‌نامه 87 سازمان جهانی کار پیوستیم و همه چیز را از جمله قوانین کار درست کردیم که اجازه می‌دهد حتی 10 نفر کارگر با هم اتحادیه تشکیل دهند و از آن زمان اتحادیه‌ها مثل گل روئیدند و اکنون حدود 600 اتحادیه کارگری در اندونزی وجود دارد که هر روز اعتصاب و تظاهرات برگزار می‌کنند. دانشجویان سهم بسزایی در این تظاهرات دارند و بسیار مداخله‌گرانه عمل می‌کنند آنچنان که حتی بعضی وقتها این تظاهرات به خشونت هم کشیده می‌شود. بعد از این همه تجربه همه برایشان جا افتاده که مناسب‌ترین شیوه را برای اعتصاب انجام دهند. بنابراین دیگر درگیری و زد و خورد خیابانی بوجود نمی‌آید و ما وارد مذاکره با دولتمردان شده‌ایم.

دفتر نشریه راه آینده :

پس از انجام این مصاحبه نمایندگان ITF برای یک کنفرانس خبری به دفتر نشریه راه آینده رفتند. در آنجا با فریبرز رئیس‌دانا از طرف کانون نویسندگان ایران، بهروز خباز از طرف شورای همکاری‌های تشکلی و فعالین کارگری، دو خواهر و داماد محمود صالحی، رضا دهقان از طرف سندیکا نقاشان و خبرنگار روزنامه اعتماد ملی ملاقات کردند و در آنجا پیام محمود صالحی از زندان توسط بهروز خباز منتقل شد که در آن به شرح وضعیت خود پرداخته بود و از نهاد‌های بین‌المللی درخواست کمک کرده بود. همچنین خواهران محمود نیز از نمایندگان ITF خواستند تا برای معالجه‌ی محمود پزشکان بدون مرز را بفرستند. همچنین سندیکا نقاشان نیز به شرح مشکلات خود پرداخت و خواستار کمک از نهاد‌های جهانی شدند.

پس از پایان کنفرانس با دیوید کاکراف (دبیر کل ITF) تماس گرفته شد و موضوع مداوای هر چه سریعتر محمود صالحی، وضعیت کارگران نیشکر هفت تپه و درخواست آزادی اسالو و مددی مستقیماً به ایشان اطلاع داده شد و ایشان قول دادند که از طریق سفارت اندونزی در ایران اقداماتی را صورت دهند.